

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۵ اپریل ۲۰۲۳

سفر رضا پهلوی به اسرائیل به دلیل تحولات منطقه‌ای و شکست تاکتونی پروژه‌هایش!

سفر رضا پهلوی همزمان با آغاز روابط دیپلماتیک جدید جمهوری اسلامی ایران و حکومت پادشاهی عربستان سعودی، معنی سیاسی خاصی دارد. در واقع پس از این، احتمال دارد کمک‌های مالی عربستان به رضا پهلوی و برخی جریان‌های دیگر، همچنین تلویزیون ایران انترنشنال قطع خواهد شد. از سوی دیگر، پروژه‌های تاکتونی رضا پهلوی و همفکرانش به‌ویژه منشور همبستگی مهسا، شکست خورده است و به‌نظر می‌رسد رضا پهلوی، اکنون باید به فکر هوا کردن فیل دیگری باشد. متن «منشور همبستگی مهسا» را حامد اسماعیلیون، نازنین بنیادی، رضا پهلوی، شیرین عبادی، مسیح علی‌نژاد و عبدالله مهندی امضاء کرده بودند.



همان‌طور که اشاره شد، یکی از عوامل مهم سفر رضا پهلوی به اسرائیل، در رابطه با برقراری روابط جدید دیپلماتیک بین ایران و عربستان است. روز ۱۰ مارس ۲۰۲۳، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران، اعلام کردند که در توافقی با میانجی‌گری چین، روابط دیپلماتیک کامل خود را احیا می‌کنند. این توافق راه را برای ریاض و تهران هموار کرده تا سفارت‌خانه‌ها و نمایندگی‌های دیپلماتیک خود را ظرف دو ماه آینده بازگشایی کنند. در جریان این مذاکرات که در پکن و به‌مدت چهار روز صورت گرفت، دو کشور در یک بیانیه بر احترام خود به حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر تاکید کرده و توافق‌نامه‌های همکاری امنیتی، تجاری و سرمایه‌گذاری را به امضاء رساندند.

روابط میان حکومت‌های ایران و عربستان، از سال ۲۰۱۶، زمانی که عربستان سعودی شیخ نمر باقر النمر روحانی شیعه منتقد حکومت را اعدام کرد، به سردی گرائید. اعتراضات در ایران در واکنش به این اعدام و حمله به سفارت عربستان در تهران موجب قطع روابط طرفین شد.

بی‌تردید میانجی‌گری چین برای توافق عادی‌سازی روابط دیپلماتیک بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی، یک خیزش دیپلماتیک و نشان‌دهنده شکل‌گیری یک نظم جدید در خاورمیانه به ابتکار چین است.

امریکا بیش از یک دهه را صرف کاهش مسئولیت‌های امنیتی و دیپلماتیک خود در خاورمیانه کرده تا منابع اصلی خود را بیش‌تر در منطقه هند و اقیانوس آرام به‌عنوان صحنه اصلی رقابت با چین متمرکز کند. چرخش همه‌جانبه چین به‌سوی خاورمیانه به‌عنوان یک بازیگر استراتژیک و دیپلمات، اکنون چرخش امریکا به‌سوی آسیا را پیچیده کرده است. اما نکته قابل توجه این چرخش ژئوپلیتیکی در روابط دو کشور به نقشی بر می‌گردد که چین در بسترسازی این توافق ایفا کرد و نقطه عطف سیاست‌های پکن در خاورمیانه برای آغاز تعاملات سیاسی عمیق‌تر در منطقه بود. ردپای چین در پیشرفت دیپلماتیک ریاض-تهران این تصور را تقویت می‌کند که نقش چین در منطقه در ضعیف‌تر شدن حضور امریکا به‌عنوان بازیگر اصلی در جایگاه دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی به‌طور قابل توجهی در حال افزایش است. در واقع می‌توان گفت که چین به‌عنوان یک ابرقدرت سرمایه‌داری نوظهور در حال رقابت شدید و در عین حال آرام با امریکا است. در حال حاضر، جهان شاهد شکل‌گیری بلوک‌بندی‌های جدیدی است.

به‌نظر می‌رسد که توافق ایران و عربستان برای امریکا می‌تواند به این معنا باشد که محدودیت‌هایی که در دیپلماسی کاخ سفید وجود دارد، ایجاب می‌کند تا توافق جدید با پتانسیل‌هایی برای آرام کردن خاورمیانه نه از طریق واشنگتن، بلکه توسط پکن ادامه یابد.

چین با دارا بودن ۳۰ درصد از حجم تجارت ایران یک شریک تجاری بزرگ برای تهران و با واردات روزانه دو میلیون بشکه نفت از عربستان یک مشتری بزرگ نفت برای ریاض است.

در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورهای خاورمیانه به‌دلیل سیاست‌هایی که امریکا از دوران ریاست جمهوری باراک اوباما آغاز کرده و از روسیه به دلیل حمله نظامی به اوکراین رویکرد جدیدی را به‌سوی چین در پیش گرفته‌اند. از این‌رو برای چین هم فرصتی دست داده تا از شرایط پیش آمده برای پر کردن خلاء موجود در منطقه بهره بگیرد. برای دومین بار است که چین خلا خاورمیانه را نشانه رفته است چنان‌چه شی جین پینگ، رهبر چین در دسامبر ۲۰۲۲ یک توافق‌نامه مشارکت استراتژیک جامع را با عربستان امضاء کرد و بیش از ۳۰ قرارداد انرژی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های انرژی سبز، فناوری اطلاعات، حمل و نقل و ساخت و ساز میان دو طرف منعقد شد. این سفر فرصتی بود تا پکن با شرکت در اولین اجلاس سران «چین و کشورهای عربی» و نشست «چین و شورای همکاری خلیج فارس» روابط رو به رشد سیاسی و اقتصادی خود را با کشورهای عربی تقویت کند.

روابط عربستان و امریکا در دوران سه رئیس‌جمهور اخیر در کاخ سفید با سال‌های قبل از آن متفاوت بوده و از دوران اوباما، عربستان سعودی در خدمت اهداف استراتژیک امریکا نبوده است. اگرچه ترامپ تمایل بیش‌تری برای برقراری روابط قوی با ریاض را داشت، اما با توجه به کاهش وابستگی امریکا به نفت عربستان تعهد واشنگتن برای تامین امنیت عربستان متزلزل به‌نظر رسیده است. پس از مداخله جمهوری اسلامی ایران در مسیر اصلی حمل و نقل انرژی در تنگه هرمز و حمله به تاسیسات آرامکو در سال ۲۰۱۹، و عدم پاسخ‌گویی نظامی امریکا، عربستان احساس حمایت امنیتی واشنگتن را از دست داد. جو بایدن رئیس‌جمهور امریکا نیز با اولویت قرار دادن اقیانوس آرام در سیاست خارجی خود در رقابت استراتژیک با چین تا حد زیادی بر این احساس تزلزل دامن زده است.

مقامات عربستان سعودی، به دنبال طرح «چشم‌انداز ۲۰۳۰» در اجرای پروژه‌های اقتصادی ضمن تقویت خطوط دفاعی و پروژه‌های امنیت ملی و بازدارندگی، درهای کشور را باز می‌کند. عربستان تنها دو روز پس از اعلام موجودیت دومین شرکت هواپیمایی ملی این کشور «ریاض ایر»، از سفارش خرید ۷۸ فروند هواپیمای جت مسافری پهن پیکر بوئینگ ۷۸۷ دریم لاینر خبر داده است. سفارش جدید عربستان به شرکت بوئینگ پنجمین سفارش بزرگ خرید هواپیما در تاریخ این شرکت امریکائی محسوب می‌شود. کاخ سفید ارزش این سفارش خرید را ۳۷ میلیارد دلار اعلام کرده است.

چین نیز به نوبه خود، از گسترش روابط اقتصادی و محیط تجاری امن‌تر در خاورمیانه سود می‌برد و بدترین سناریو برای چین این است که درگیری در خلیج فارس بر تامین انرژی و منافع اقتصادی این کشور تاثیر بگذارد. این نسخه جدید از حضور چین بر اشتیاق به مشارکت اقتصادی و قدرت نرم در منطقه خاورمیانه از طریق سرمایه‌گذاری‌های پایدار مرتبط با طرح یک جاده- یک کمر بند تاکید دارد. پیگیری بلندپروازانه چین برای پر کردن خلاء حضور امریکا در خاورمیانه، اساساً بخشی از یک پروژه برای ترسیم مجدد نقشه ژئوپلیتیک اقتصادی جهانی است.

این توافق برای اسرائیل نیز مسیر جدیدی در جهت احیای مذاکرات متوقف شده در مورد موضوع هسته‌ای ایران با یک شریک بالقوه در ریاض ارائه می‌دهد. زیرا اسرائیل نیز عمیقاً نگران برنامه هسته‌ای ایران است و یک گشایش جدید معنادار و تاثیرگذار بین تهران و ریاض باید به نگرانی‌های مربوط به برنامه هسته‌ای ایران پایان دهد. اگر دو کشور بتوانند در مورد موضوعاتی مانند سلاح‌های هسته‌ای و حمایت از بازیگران غیردولتی به توافق برسند، می‌توانند به کاهش تنش‌ها و ایجاد یک محیط امنیتی منطقه‌ای با ثبات‌تر کمک کنند. این توافق به‌طور بالقوه می‌تواند تصور احتمالی تهدید بودن ایران را در نزد سایر کشورهای منطقه تغییر دهد. این وضعیت در یک بازی حاصل جمع صفر، یک برد دیپلماتیک برای ایران خبر بدی برای اسرائیل خواهد بود.

امریکا علاقه‌مند است برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را بازگرداند و سفر Raffan گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران و نگاه مثبت او به دیدار با مقامات جمهوری اسلامی ایران، حاکی از این اشتیاق است. برقراری مجدد برجام حتی می‌تواند تصور حمایت جمهوری اسلامی ایران از روسیه در جنگ اوکراین را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد.

شراکت در حال ظهور چین، ایران و روسیه تهدیدی جدی برای منافع ایالات متحده است. با آغاز جنگ در اوکراین رقابت بین روسیه و امریکا داغ شده و بایدن تلاش داشته تا کشورهایی که می‌توانند به‌سوی روسیه جذب شوند را در یک ائتلاف به سمت ایالات متحده برگرداند. چین همکاری با روسیه را برای به چالش کشیدن امریکا با وجود محکومیت بین‌المللی تهاجم به اوکراین تعمیق داده است و جمهوری اسلامی با فروش هواپیماهای بدون سرنشین به روسیه برای استفاده در میدان نبرد با اوکراین عملاً وارد یارگیری با روسیه شده است. بدین ترتیب، امریکا برای در هم شکستن این ائتلاف استراتژیک قوی باید مانع از پیوند اهداف استراتژیک سه کشور در اوکراین و در مناطق دیگر از جمله خاورمیانه شود.

جمهوری اسلامی ایران که به‌طور فزاینده‌ای در منطقه منزوی شده، همچنین در داخل کشور با مشکلاتی مانند اعتراضات عمومی و خیزش اخیر مردمی، بحران‌های اقتصادی، افزایش هزینه‌های نهادهای حکومتی، ارز تضعیف شده، تورم افسارگسیخته و غیره درگیر است و در خارج، با اتهامات تامین پهپادهای مسلح روسیه برای جنگ با اوکراین دست و پنجه نرم می‌کند.

در چنین شرایطی، فقط چین می‌توانست در این توافق میانجی‌گری کند چون با جمهوری اسلامی ایران و حکومت عربستان، روابط نزدیکی دارد و احتمالاً هر دو طرف به این کشور به چشم یک طرف بی‌طرف و قدرقدرت می‌نگرند. البته، چنین میانجی‌گری مستلزم سرمایه‌گذاری دیپلماتیک قابل توجه چین بود. رئیس جمهوری «شی جین پینگ» در ماه دسامبر به منطقه سفر کرد و میزبانی اولین نشست گروهی چین با رهبران عرب در ریاض را بر عهده داشت. او در آن‌جا ایده میزبانی نشستی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایران را مطرح کرد. شی جین پینگ، همچنین ماه گذشته در پکن میزبان ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور اسلامی ایران، بود.

چین که بزرگترین شریک تجاری خاورمیانه و یک منبع قابل توجه سرمایه‌گذاری و تخصص قلمداد می‌شود، این دارایی‌ها را به نفوذ سیاسی و دیپلماتیک تبدیل کرد. این توافق برای چین هم اعتبار داشت و هم به‌طور مستقیم تامین‌کننده منافع کشورش بود.

اما روی کارآمدن راست‌گرای افراطی در اسرائیل را می‌توان یکی از زمینه‌های هم‌سوئی میان جمهوری اسلامی ایران و حکومت عربستان خواند. راست‌گراها، ضرورت برقراری صلح با فلسطینی‌ها را انکار می‌کنند و حقوق و امتیازی برای آن‌ها قایل نیستند. آن‌ها نه تنها به صلح با فلسطینی‌ها نمی‌اندیشند، که راحل را در تداوم و گسترش جنگ و خشونت علیه آن‌ها جست‌وجو می‌کنند. از وقتی که بنیامین نتانیاهو بار دیگر به مقام نخست‌وزیری اسرائیل رسیده است، آتش جنگ میان اسرائیل و فلسطینی‌ها از نو شعله‌ور شده و دورنمای صلح تیره‌تر از پیش به‌نظر می‌رسد. دولت نتانیاهو در جایی انگشت می‌گذارد که درد را افزایش می‌دهد. سیاست شهرک‌سازی در مناطق اشغالی از سوی اسرائیل، عامل عمده تداوم منازعه میان طرفین است که دولت نتانیاهو نه تنها از توقف آن چیزی نمی‌گوید، که بر تسریع آن هم تاکید دارد. در هر ظرفیتی که آتش جنگ میان اسرائیل و فلسطین شعله‌ور شود، به همان نسبت ضرورت هم‌سوئی ایران و عربستان برجسته می‌شود.

این در حالی است که میان امارات متحده عرب و اسرائیل پیمان عادی‌سازی روابط به امضاء رسیده است. نتانیاهو در داخل اسرائیل نیز مخالفین جدی دارد و در هفته‌های اخیر، تظاهرات‌های بزرگی علیه او در شهرهای مختلف اسرائیل برگزار شده است. اما برای رضا پهلوی مردم اسرائیل و یا ایران اهمیتی ندارد چرا که ایشان به فکر حساب و کتاب سرمایه‌گذاری‌های خود است و البته زیرچشمی هم به سیاست، آن‌هم به‌عنوان فرزند شاه سابق ایران است. بنابراین، رابطه نزدیک‌تر با اسرائیل می‌تواند برای او یک منبع مالی خوبی باشد و از سوی دیگر، می‌خواهد طوری نشان دهد که این تحرکات هنوز موثر است و می‌تواند بار دیگر محافل پراکنده شاهپرستان را اطراف خود جمع کند. به‌همین دلایل، رضا پهلوی به اسرائیل سفر کرد.

جایگاه نتانیاهو در داخل اسرائیل بسیار متزلزل است و در عرصه خارجی از جمله رابطه با امریکا روابط تیره‌ای دارد، در این شرایط رضا پهلوی به اسرائیل رفته است. در واقع او بدترین زمان را برای سفر خود به این کشور، انتخاب کرده است.

رضا پهلوی در سفر به اسرائیل و دیدار با بنیامین نتانیاهو و حضور در پای دیوار ندبه و آن مواضع ضدعربی، آن‌هم در دوره سلطه دولتی متشکل از احزاب نژادپرست و ارتدوکس و با سابقه تروریستی، اندیشه و ماهیت سیاسی شخص رضا پهلوی را به نمایش می‌گذارد.

اگرچه اسرائیل حاضر است به هر گروهی که با جمهوری اسلامی مخالف باشد، کمک کند و برای آن‌ها فرقی نمی‌کند. آنچه بسیار اسرائیل مهم بوده این است که بتواند از رضا پهلوی و سایر گروه‌ها گروه به‌عنوان یک ابزار رقابت با جمهوری اسلامی ایران بهره گیرد.

موضوع مهمتر این است که رضا پهلوی به دلیل جنبش «زن، زندگی، آزادی»، این تصور را دارد که می‌تواند از فضای ایجادشده برای خود جایگاهی بترشد به همین دلیل، عرق‌ریزان و نفس‌زنان در پی ملاقات با مقامات دولت‌های مختلف است. یک دلیل مسخره حضور پهلوی در اسرائیل نیز آشنائی و دیدار با کارشناسان آب اعلام شده است. یعنی یک کار تخصصی که هیچ ارتباطی با او و فعالیت‌هایش ندارد.

چگونگی استقبال نتانیا‌هو و تحقیرآمیز پهلوی و فضای غیررسمی و توهین‌آمیز گفت‌وگو، در یک اتاق کوچک مانند آشپزخانه با سه صندلی پلاستیکی و بدون میز، سطل اشغال و... حقارت پهلوی را بیش از گذشته به نمایش گذاشت. تا جایی که واکنش‌های درونی حکومت اسرائیل نیز بر تمسخرآمیز بودن این اقدام حکایت دارد. برای نمونه «دانیل شک» سفیر اسبق اسرائیل در فرانسه، گفته است: «باید در مورد این سفر صادق باشیم؛ رضا پهلوی فقط یک یادگاری از گذشته‌های دور است، واقعا نمی‌دانم که دستاورد اسرائیل از این سفر چیست؟! مردم ایران حتی اگر با جمهوری اسلامی مخالف باشند، باز هم به عقب برنمی‌گردند.»

رضا پهلوی که ۴۴ سال در لس‌آنجلس زندگی می‌کند، روپائی بر سر دارد روپائی که روزی برای سلطنت به ایران برمی‌گردد. شکی نیست که پس از سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، رضا پهلوی هرگز شاه ایران نخواهد شد.

ائتلافی که در رونمایی از «منشور همبستگی»، شکل گرفت ادعا کردند همبستگی و اتحادی را علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته‌اند، اما دیری نپایید که اختلافات درونی آن‌ها بر خلاف تلاش برای پنهان‌سازی، بر همگان ثابت شد. اکنون سازمان سیاسی عبدالله مهندی، با انتشار بیانیه‌ای حملات اخیر به عبدالله مهندی را محکوم کرد و بار دیگر خواستار اتحاد نیروهای اپوزیسیون برای مقابله با جمهوری اسلامی شد.

در بیانیه این سازمان سیاسی که روز سه‌شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۲، منتشر شد، آمده است: «ما کماکان خود را پایبند به ضرورت همکاری برای اتحاد و همبستگی برای گذار از جمهوری اسلامی می‌دانیم و در این مسیر خواهان همکاری و همراهی بیش‌ترین نیروها هستیم.» «اما در این مورد نیز خطوط قرمزی داریم که اجازه عبور از آن‌ها را نخواهیم داد.»

این جریان روشن نکرده که چه کسانی و چه جریانی به عبدالله مهندی حمله کرده است. همچنین هیچ توضیحی نیز درباره «خطوط قرمز» خود ارائه نداده است.

اما در هفته‌های اخیر، یک گفت‌وگوی مهندی درباره پیشنهاد اعضای جدید به گروه «منشور همبستگی و سازمان‌دهی برای آزادی ایران» معروف به «منشور مهسا» واکنش‌هایی را در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت.

او در این گفت‌وگو، تاکید کرد که با ورود افراد افراطی از هر حزب و گروهی به این جمع مخالف است.

این اظهارات پس از آن صورت گرفت که رضا پهلوی، یکی از امضاءکنندگان «منشور همبستگی»، از عدم اجماع میان دیگر امضاءکنندگان آن بر سر پیوستن نامزدهای پیشنهادی خود به منشور خبر داده بود.

این ائتلاف حتی توانائی داشتن تشکیلات ساده و برگزاری محافلی یک‌دست را نداشت و آن‌قدر هم انتقادات شدیدی از درون و برون به این ائتلاف شد که نهایت از هم پاشید. به‌خصوص طرفداران جدی سلطنت‌طلب مانند امیر طاهری، تقی‌زاده، شهرام همایون و... که با توجه به دیدگاه طبقاتی‌شان به‌شدت از گرایش محافظکار و راست بورژوازی حمایت می‌کنند انتقادهای جدی هم به این ائتلاف ناقص‌الخلقه رضا پهلوی و سخنان سطحی رضا پهلوی در رابطه با دموکراسی و فدرالیسم و غیره دارند؛ این بازی آخری ائتلاف نشان داد که این جریانات هیچ ربطی به انقلاب مردم، آزادی، برابری، دموکراسی و عدالت اجتماعی ندارند بلکه آن‌ها، خواهان یک دولت مستبد و قدر قدرت سلطنتی هستند. نهایتاً

این ماجرا نشان داد که هرکسی به جریان رضا پهلوی و سلطنت‌طلب و سناریوهای آن نزدیک شود به لحاظ سیاسی سریعاً می‌سوزد؛ نمونه تازه‌اش حامد اسماعیلیون است.

اساساً سفر رضا پهلوی را بنیاد سرمایه‌دار یهودی معروف امریکائی به نام «شلدون آدلسون» (Sheldon Adelson)، برنامه‌ریزی کرده بود. او یکی از حامیان مالی اصلی ترامپ بود و خودش هم جمهوری‌خواه است. او مواضع بسیار تند و تیزی هم علیه جمهوری اسلامی ایران داشت و حتی پیشنهاد حمله اتمی به کشورمان را هم مطرح کرده بود.

خانواده شلدون از طریق بنیاد دفاع از دموکراسی با رضا پهلوی، ارتباط برقرار کردند. در جریان سفر رضا پهلوی به اسرائیل نیز همان بنیاد (FDD) نقش اصلی در این سفر را داشت و بر همین اساس بود که دو فرد به نام‌های مارک دوبویچ و سعید قاسمی همراه رضا پهلوی به اسرائیل سفر کردند، قاسمی‌نژاد از مشاوران رضا پهلوی است و مارک دوبویچ ریس قاسمی‌نژاد در بخش مربوط به ایران در بنیاد دفاع از دموکراسی است.

آدلسون در میزگردی در دانشگاه «یشیوا» در ۲۲ اکتبر ۲۰۱۳، گفته بود که امریکا باید در مورد برنامه هسته‌ای ایران جدی‌تر باشد. مناقشه از آنجا آغاز شد که او گفت: «شما گوشی تلفون را برداشته و با جایی در نبراسکا تماس گرفته و می‌گویند: «بسیار خوب، پرتاب کنید» و سلاحی اتمی توسط موشک‌های بالستیک در میان صحرا اصابت کرده و به هیچ‌کس جز چند مار زنگی یا عقرب یا شبیه آن آسیبی نمی‌زنند.

او به توضیح این مطلب ادامه داد و گفت که بعد از نشان دادن زور و تهدید به تهران، امریکا خواهد گفت: «اگر شما (ایران) صلح‌طلب باشید، فقط باید روند برنامه خود را معکوس کنید و ما تضمین می‌کنیم که شما می‌توانید تاسیسات انرژی هسته‌ای را برای مقاصد الکتریسیته و انرژی داشته باشید.» سخن‌گوی «آدلسون» به خبرنگاران گفت که «واضح است که سخنان آدلسون در مورد استفاده از بمب اتم جدی نبوده» و گفت که وی «از اغراق استفاده کرده تا بگوید که... عمل مهم‌تر از کلام است.»



آدلسون با نتانیاهو

شلدون آدلسون سرمایه‌دار یهودی امریکائی و یکی از ثروتمندترین افراد جهان است. وی سهامدار عمده، رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت سنذر لاس‌وگاس، مالک بسیاری از هتل‌ها و کازینوها در سراسر جهان از جمله در شهرهای لاس‌وگاس و پنسیلوانیا در امریکا، ماکائو در جمهوری خلق چین و سنگاپور است. وی همچنین مالک روزنامه عبری اسرائیل امروز و از «حامیان مالی عمده» حزب جمهوری‌خواه در امریکا و حزب لیکود در اسرائیل است.

وی یهودی تبار است و تاکنون ده‌ها میلیون دلار به سازمان‌های عمدتاً یهودی در سراسر جهان، کمک مالی کرده است. شلدون آدلسون، یکی از سرسخت‌ترین مخالفان باراک اوباما بود و در انتخابات ریاست جمهوری اوباما، او نزدیک به صد میلیون دلار به گروه‌های حامی «میت رامنی» رقیب جمهوری خواه اوباما کمک کرده بود. آدلسون از دوستان بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل است و کمک‌های گسترده مالی‌اش به جمهوری خواهان امریکا و مراکز مطالعاتی طرفدار اسرائیل در واشنگتن او را به یکی از پر نفوذترین حامیان گروه‌های طرفدار تحریم و برخورد نظامی با ایران تبدیل کرده است.

شلدون گری آدلسون رئیس هیات مدیره و مدیر عامل کازینو «لاس‌وگاس سندز»، شرکت مادر «وینشن ماکائو لیمیتد» است که «وینشن ریزورت هتل کازینو» و «سندز اکسپو و کانوشن سنتر» را اداره می‌کند. او همچنین مالک روزنامه عبری «اسرائیل هیوم» (اسرائیل امروز) است. نام «آدلسون» از اکتبر ۲۰۱۳ به عنوان دوازدهمین فرد ثروتمند جهان وارد لیست شد و ارزش خالص ثروت وی ۳۴/۴ میلیارد دلار برآورد شده است. او پیش از این در فهرست «فوربز ۴۰۰» به عنوان دوازدهمین فرد ثروتمند امریکائی قرار گرفته بود.

منبع اصلی ثروت و سرمایه کنونی «آدلسون»، نمایشگاه تجارت کامپیوتر «کامدکس» بود که او و شرکایش آن را برای صنعت کامپیوتر توسعه دادند؛ نخستین نمایشگاه مربوط به سال ۱۹۷۹ بود. این نمایشگاه در اکثر سال‌های دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی نمایشگاه برتر تجارت کامپیوتر بود.

در سال ۱۹۹۵، «آدلسون» و شرکایش کامدکس را به قیمت ۸۶۲ میلیون دلار به «شرکت سافت‌بانک» ژاپن فروختند؛ سهم «آدلسون» از این معامله ۵۰۰ میلیون دلار بود. شلدون در ۱۱ ژانویه ۲۰۲۱ درگذشت.

اکنون سرکوب و سانسور، تهدید و زندان، شکنجه اعدام، فقر و فلاکت نفس اکثریت شهروندان ایران را بریده است. اکنون تنها اقلیتی مزدبگیر و نیروهای سرکوبگر از این حکومت بچکش حمایت می‌کنند. با این وجود، مردم ایران و در پیشاپیش همه جوانان در هفت ماه گذشته با اعتراض و اعتصاب و رامپمائی و سایر ابتکارات، عملاً نشان داده‌اند که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. اکنون کارگران صنایع مهمی همچون کارگران نفت، گاز و پتروشیمی دست به اعتصاب زده‌اند احتمالاً وضعیت ب هسوئی خواهد رفت که اعتصاب در اماکن کار، مدارس، دانشگاه‌ها، زندان‌ها و... با اعتراضات خیابانی متحد شدند و با یک اعتصاب و اعتراض سراسری هم حکومت را به عقب نشینی وادار سازند و هم خود را هر چه بیش‌تر برای سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی، سازمان‌دهی نمایند. در این میان، هر نیرو و جریانانی که به نام این انقلاب مردمی، ادای رهبری درآورد و با دولت‌های مخفی و علنی وارد بده و بستان شود پیشاپیش محکوم به شکست است. رهبران واقعی این انقلاب در کارخانه‌ها مدارس، دانشگاه‌ها، محلات و خیابان‌ها و حتی زندان‌ها حضور مستقیمی و فعالی دارند و به همین دلیل هیچ نیازی به رهبری خارج از سازمان دهی خود ندارد. نیروهای خارج کشور در بهترین حالت و اگر صداقت داشته باشند از همه امکانات تبلیغی و اجتماعی خود، صرفاً برای حمایت از این انقلاب بهره می‌گیرند بدون این که ادعای رهبری و سهم‌خواهی داشته باشند.

در عین حال رضا پهلوی و هوادارانش چشم امید خود را به حمله دولت‌های رقیب جمهوری اسلامی به ایران همانند دوران قذافی و صدام حسین و طالبان و یا کودتا در درون سپاه پاسداران و ارتش دوخته‌اند. بی‌جهت نیست که رئیس اتاق فکر رضا پهلوی، یعنی شهریار آهی اخیر در یک میزگردی در تلویزیون ایران انترنشنال، رسماً و علناً از سپاه پاسداران دفاع کرده است. البته خود رضا پهلوی نیز به مناسبت‌هایی حمایت خود را از سپاه پاسداران و ارتش اعلام کرده است. در این میان مقامات مورد علاقه رضا پهلوی، ترامپ و نتانیاهو و ... است. البته برای نشستن و بحث کردن با آن‌ها، نخست به رسمیت شناختن سیاست آن‌هاست. به این ترتیب، دموکراسی از نظر رضا پهلوی، همین است!

از سوئی دست گروه‌های فشار و حزب‌اللهی در جمهوری اسلامی ایران، آن‌چنان باز است که هر موقع تشخیص حمله دادند با توصیه رهبرشان خامنه‌ای، آتش به اختیار عمل می‌کنند. شعبان بی‌مخ نیز در زمان پادشاهی محمدرضا پهلوی هم همین شغل را داشت. اکنون همسر رضا پهلوی با نوشتن شعار «مرگ بر سه فاسد، ملا، چپ، مجاهد» و یا طرفداران او که عربده می‌کشند همه انقلابیون ۵۷ را باید اعدام کرد؛ یا از چهره مخوف ساواک پرویز ثابتی رونمایی کردند تا نشان دهند ساواک‌ها را سازمان‌دهی می‌کنند؛ در تظاهرات‌های به مخالفین خود به‌ویژه خلق‌های تحت ستم ایران، بی‌شرمانه پرخاشگری می‌کنند و... همه این ماجراها نشان می‌دهند که نقش دیروزی شعبان بی‌مخ‌ها و نقش امروزی حزب‌اللهی‌های جمهوری اسلامی را برخی گروه‌های شامپرست و فاشیست در اطراف رضا پهلوی به‌عهده دارند.

توسل به دروغ پراکنی بی‌شرمانه، وعده گشتار خونین مخالفان و منتقدان، فحاشی‌های آن‌چنانی در تظاهرات‌های به نیروهای دیگر از جمله کردها، همه و همه سناریوهای سیاهی است که زیر سر و بغل گوش رضا پهلوی در سال‌های اخیر و هم اکنون در فضای مجازی در جریان است و این رهبر «خودخوانده»، این اعمال متجاوزانه و خشونت‌طلبانه گروه‌های طرفدار خود را محکوم نکرده است.

امروز اصلاح‌طلبان سابق جمهوری اسلامی، جمهوری‌خواهان ملی، پان‌ایرانیست‌ها و سلطنت‌طلبان کج‌دار و مریض در کنار هم قرار گرفته‌اند تا انقلاب مردم ایران را همانند انقلاب ۵۷، باز هم به مسیری دیگری منحرف سازند و به شکست بکشانند. دموکراسی‌خواهی رضا پهلوی در چنین ائتلاف‌هایی معنی و جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند. جریاناتی که اندیشه‌های مشترکی در سلطنت‌طلبی، اقتدارگرایی و اسلام‌گرایی دارند و بر این عقیده هستند که «راه نجات کشور»، از مسیر مذاکره با اسرائیل و آمریکا و سایر دولت‌ها می‌گذرد.

نهایتاً رضا پهلوی پریروز تشکیل دولت در تبعید به ریاست سردار پاسدار «مدحی»، دیروز کمپین وکالت می‌دهم و بعد منشور مهسا و حالا رفته اسرائیل و ادعا کرده به نمایندگی از مردم ایران آمده‌ام. کدام مردم؟! شما حتی نتوانستید چند نفری را که با شما همراه شده بودند متحد نگاه دارید تا چه برسد به مردم ایران!

سفر او به اسرائیل، کمترین ربطی به مبارزه انقلابی مردم ایران ندارد. افکار عمومی آگاه جهان می‌داند که مردم ایران در برابر جمهوری کودککش محکم و قاطع ایستاده‌اند بدون این که خواهان معامله سیاسی با این و یا آن دولت شوند. به‌خصوص مردم ایران تجربه از جمله اپوزیسیون راست عراق و لیبی و افغانستان را دارند که با حمایت‌های ناتو و دولت‌ها به قدرت رسیدند و چه بلایی بر سر مردم این کشورها آوردند.

رضا پهلوی اهل مبارزه باز و علنی نیست چرا که این کاره نیست و در بهترین حالت یک تاجر است آن‌هم با میلیاردها دالری که پدرش و سایر اعضای خانواده‌اش در سال ۵۷ و با سرنگونی حکومت‌شان از ایران خارج کردند و یا قبلاً در خارج کشور سرمایه‌گذاری کرده بودند. اما او بسیار علاقه‌مند است با مقامات سیاسی دولت‌ها، پشت درهای بسته «مذاکره» کند و بیانیه‌های چند خطی صادر کند. این کسب و کار واقعی و کارنامه سیاسی ۴۴ ساله رضا پهلوی و هوادارانش است.

دوشنبه چهارم اردیبهشت - ثور - ۱۴۰۲ - بیست و چهارم اپریل ۲۰۲۳